

Historical Review of the Tilework in the Holy Shrine of Imam Ali (AS) Based on the Written and Pictorial Documents

By Alireza Bahramān

Abstract:

Tiles are artistic handicrafts and tilework has been a principal means of decorating architecture in Iran through the Islamic period. By tradition, the tile makers and decorators used to sign their work at intermittent periods and this made the Islamic tiles unequivocal evidence for documenting the forgotten history of the buildings and monitoring the changes in their architectural decorations. Although many of the historic monuments in Islamic lands have been studied in detail based on their tilework and other architectural decorations, the Holy Shrines in Iraq have not been thoroughly studied as there is no detailed document on the history of their decorations. Field research indicates that these religious monuments have been adversely affected by the embedded interferences in their architecture during the past two decades; therefore, these Islamic heritage sites have not remained intact owing to their gradual destruction or abrasion and in complete disregard of their artistic merits and historical significance. This research aims to provide an introduction to the tilework of the Holy Shrine of Imam Ali (AS) by studying the surviving remains of the original tiles of this shrine, documenting the tilemakers and the tile decorators' signatures and picturing the tiles from the early Ilkhanid to the late Qajar period. The results indicate that the shrine's tile decorations have been added, replaced and restored frequently over time and their craftsmen are of Iranian and Iraqi (esp. from the city of Karbala) origin. The tiles' quality and techniques of decoration reveal that some had been produced in Iran and then transferred to the city of Najaf and some were made in Iraq by the Iranian tilemakers. In addition, the commissioners have been Iranian, Ottoman or Iraqi.

Keywords:

tilework, the Holy Shrine of Imam Ali (AS), An-Najaf al-Ashraf (Arabic: النَّجَفَ الْأَشْرَفَ), Ilkhanid to Qajar, architecture.



بررسی تاریخی تزیینات کاشیکاری حرم امام علی علیه السلام بر اساس مستندات مکتوب و تصویری

علیرضا بهرمان^۱

۱ چکیده

کاشی عنصری هنری و صناعی است و از شاخص‌های مهم در تزیینات معماری ایران در دوره اسلامی به شمار می‌رود. سنت نوشتن نام کاتب یا نقاش بر سطوح کاشی بناها و تداوم این سنت در دوره‌های مختلف تاریخی، تزیینات کاشی‌کاری را به مثابه سندی قابل اتکا در شناسنامه تاریخی و سیر تحولات هنری بناها مطرح کرده است. این مهم می‌تواند امروزه کمک مؤثری در بازشناسی تاریخچه از یاد رفته معماری و تزیینات این بناها باشد، اما متأسفانه در بناهای عتبات عراق تاکنون مستندات متقن و قابل استنادی که به‌طور دقیق و با تکیه بر شواهد عینی به تاریخ‌نگاری و معرفی تزیینات این بناها و دوره‌های تاریخی آن‌ها پرداخته باشد، تهیه نشده است.

بررسی میدانی در تزیینات معماری بناهای عتبات نشان می‌دهد طی دو دهه اخیر این آثار به‌طور گسترده مورد مداخلات معمارانه قرار گرفته و بدون توجه به اهمیت ارزش‌های تاریخی و هنری این بناها، به تخریب یا مخدوش نمودن اصالت این میراث ارزشمند اسلامی و بشری پرداخته شده است. در این پژوهش سعی شده است با بررسی کاشی‌های قدیمی باقی مانده در بنای حرم مطهر امام علی علیه السلام و شناسایی و ثبت ماده تاریخ و نام کاتبان و نقاشان کاشی‌کاری‌های حرم و انطباق آن‌ها با مستندات مکتوب تاریخی، به معرفی آن‌ها پرداخته شود. مطالعات انجام شده در این پژوهش که با استفاده از روش‌های کتابخانه‌ای، میدانی و بررسی سبک هنری و تکنیکی تزیینات کاشی‌ها انجام شده، به شناسایی و معرفی تصویری تزیینات کاشی‌کاری از دوره تاریخی ایلخانی تا پایان عهد قاجار پرداخته است. همچنین نشان می‌دهد تزیینات کاشی‌کاری‌ها، همانند خود بنا، در طول زمان تکمیل و به دفعات تعویض یا مرمت شده‌اند و ذکر نام هنرمندانی که در دوره‌های مختلف تاریخی در نقاشی، کتابت و ساخت کاشی‌های حرم نقش داشته‌اند، مشخص می‌شود که سازندگان کاشی‌های حرم، ایرانی و کربلایی بوده‌اند. بررسی تکنیک و کیفیت سنجی کاشی‌های حرم نشان می‌دهد که برخی کاشی‌ها در ایران ساخته شده و سپس به نجف حمل شده و تعدادی دیگر توسط استادکاران ایرانی در عراق ساخته شده‌اند. بنیان کاشی‌کاری‌ها نیز ایرانی، عثمانی و یا عراقی بوده‌اند.

۱ واژگان کلیدی

کاشی، تاریخ نجف، حرم امام علی علیه السلام، قاجار، صفوی، ایلخانی.

مقدمه:

ایرانیان به مانند ساکنان میان رودان، از گذشته‌های بسیار دور با دانش و فن نشانیدن لعاب بر روی سطوح آجرها آشنایی داشته و شواهدی چون آجرهای لعابدار معبد چغازنبیل، کاخ آپادانا و کاشی‌های بوکان دلیلی برای این مدعاست. هنر صناعی آجرهای لعابدار در دوران اسلامی نیز ادامه یافت و استادکاران این هنر با توسعه دانش فنی و کسب مهارت بیشتر، قادر به تولید گونه‌های مختلف کاشی با کیفیت بسیار عالی شدند.

هرچند استفاده از کاشی در معماری دوران اسلامی ایران با کمی تاخیر آغاز شد، اما با گذر از قرون اولیه اسلامی کاشی به عنوان عنصری تزئینی، جایگاهی ویژه در معماری ایران یافت و به مهمترین شیوه تزئین در معماری ایران بدل گردید. استفاده از کاشی در تزئین بناهای مذهبی، مساجد، مقابر و مدارس مذهبی و به ویژه بنای حرم‌های امامان شیعه علیهم‌السلام با اقبال بیشتری روبرو گردید و بنای حرم مطهر امامان شیعه علیهم‌السلام به جولانگاه هنر نمایی هنرمندان کاشی‌کار تبدیل گشت. لذا امروزه می‌توان بنای هر یک از عتبات مقدسه را به مثابه موزه‌ای دانست که نمونه‌های ارزشمندی را از کاشی‌های دوره‌های مختلف تاریخی در خود به نمایش گذاشته‌اند.

بر اساس مستندات مکتوب تاریخی، حضور ایرانیان در توسعه و آبادانی عتبات عراق از عهد حاکمان آل بویه مورد اشاره قرار گرفته است، اما در حال حاضر در بررسی‌های بصری نمی‌توان نشانی از اقدامات معمارانه قبل از سلاطین مغول را در این حرم‌ها مشاهده کرد، زیرا در طول تاریخ به سبب رخ دادها و اتفاقاتی چون فرسایش، آتش سوزی، تعمیرات و یا حملات و تعرضات حادث شده برای بناها، بسیاری از شواهد تاریخی از میان رفته و شاید تنها بتوان با انجام مطالعات علمی - آزمایشگاهی به شناسایی آن‌ها دست یافت. لذا آنچه امروز در منظر بصری حرم‌های عتبات نمایان است، مربوط به کاشی‌کاری‌هایی است که در سال‌های پس از قرن دهم هجری قمری انجام گرفته و بعضاً پابرجای مانده‌اند.

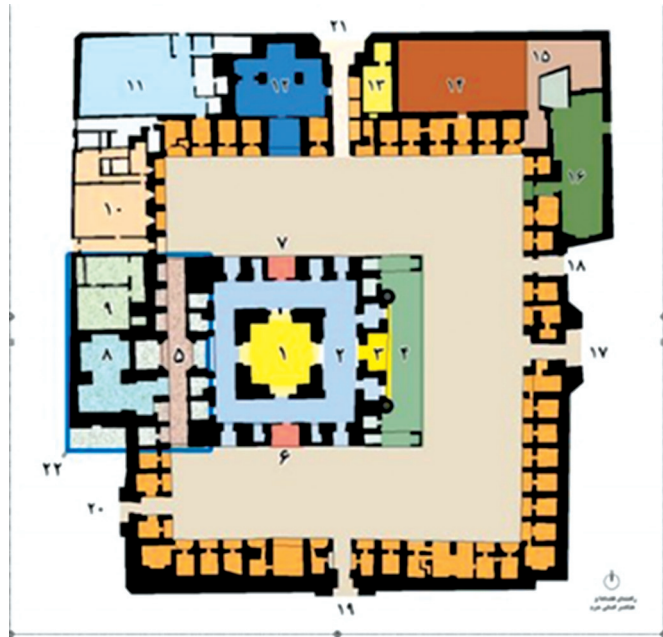
از آنجا که در دوره‌های تاریخی مورد اشاره، کاربرد کاشی‌های هفت‌رنگی بسیار متداول بوده است، در حرم مطهر نجف وجه قالب تزئینات کاشی‌کاری‌های قدیمی، کاشی‌های هفت‌رنگ‌اند. متأسفانه در سال‌های اخیر با انجام اقدامات گسترده عمرانی که در قالب طرح‌های توسعه و نوسازی حرم‌ها صورت پذیرفته، بخش‌های وسیعی از نشانه‌های تاریخی به ویژه تزئینات کاشی‌کاری این بناها مورد تخریب قرار گرفته است، روندی که کم و بیش ادامه دارد. لذا می‌توان گفت یکی از ابزارهای مهم بازدارنده از تخریب این آثار، مستندنگاری، معرفی ارزش‌های هنری و تاریخی تزئینات قدیمی حرم‌ها و آگاه‌سازی مسئولان و افکار عمومی است. باشد که ما در حفاظت و نگهداری آثار هنری خلق شده بر پایه عشق و اعتقادات دینی و مذهبی خود کوشا باشیم.

معرفی حرم مطهر نجف اشرف

بر اساس قدیمترین تصویر موجود، شهر نجف در قدیم در حصار قلعه‌ای محصور بوده و حرم مطهر مولای متقیان علی علیه‌السلام در مرکز آن واقع بوده است. وضع موجود حرم مطهر با مساحتی بالغ بر ده هزار متر مربع (تا قبل از توسعه یک دهه اخیر) بر پایه پلانی مربع قرار دارد و صحن آن با پنج درب به نام‌های باب‌القبلة در جنوب، باب‌السلطانی در غرب، باب‌الساعة در شرق، باب‌الطوسی در شمال و باب‌المسلم بن عقیل در شمال غربی به معابر پیرامون مرتبط می‌شود. مختصات قسمت‌های مختلف حرم بر روی پلان نشان داده شده است (تصویر ۱).

تصویر ۱

۱- گنبد خانه (روضهء منوره)، ۲- رواق مطهر ۳- ایوان الذهبی الکبیر (طاب) ۴- طارمه ۵- ساباط ۶- ایوان میزاب الذهبی (ناودان طاب) ۷- ایوان العلماء ۸- جامع الرأس (مسجد بالاسر) قدیم ۹- تکیه بکتاشیه ۱۰- مضاف الامام علی (مهمانسرا) ۱۱- المكتبه الحیدریه (کتابخانه) ۱۲- رواق عمران بن شاهین ۱۳- مقبرهء میرزای بزرگ شیرازی ۱۴- مدرسه مقداد سیوری (حسینیه در حال ساخت) ۱۵- توسعه حسینیه (سرویس های بهداشتی قدیم) ۱۶- جامع الخضراء ۱۷- باب الامام الرضا علیه السلام (السوق الکبیر، الساعه) ۱۸- باب مسلم بن عقیل ۱۹- باب القبله ۲۰- باب الفرج (السلطانی) / ۲۱- باب الشیخ الطوسی ۲۲- محدوده در حال ساخت مسجد بالاسر جدید (التوسعه)



اقدامات عمرانی سلاطین ایران در ابنیه عتبات عالیات عراق

هرچند در برخی مستندات تاریخی آمده است که اولین قبه بر مزار مطهر امام علی علیه السلام به فرمان هارون الرشید ساخته شد. (آل محبوبه، ۱۴۰۶: ۳۱). این قبه به فرمان متوکل عباسی تخریب گردید. سپس دومین بنا بر مزار مطهر حضرت امام علی علیه السلام به دست داعی صغیر ساخته شد. (آل محبوبه، ۱۴۰۶: ۳۲) پس از این دوره، سومین بنا و به واقع اولین بنای قابل اعتنا توسط سلاطین آل بویه و عضدالدوله دیلمی در سال ۳۷۱ ق. ساخته شد. (مظفر، ۱۴۰۸ ق: ۲۹۸). آل محبوبه این ساختمان را که عضدالدوله اموال بسیاری صرف آن کرده و هنرمندان و نجاران را از سرزمین های دیگر برای ساخت آن گرد آورده بود از بزرگترین و زیباترین ساختمان ها دانسته است (آل محبوبه، ۱۹۸۶: ۳۲)؛ اما به سبب حوادث رخ داده در بنای حرم و از آن جمله آتش سوزی سال ۷۵۵ ق. که بخش وسیعی از حرم آسیب دید و همچنین تعمیرات و اقدامات عمرانی صورت پذیرفته در بنای حرم در طول تاریخ، امروز نمی توان نشانه روشنی از بنای عهد آل بویه بدست داد. پس از این دوره، سلاطین مغول فرمان به انجام اقدامات عمرانی در حرم مطهر نجف داده اند، از جمله این اقدامات می توان به ساخت مسجد ایلخانی یا بالاسر و محراب زرین فام ساخته شده توسط علی ابن محمد بن ابی طاهر در محدوده سال های ۶۶۳ ق.، مقارن با حکمرانی آقا باقاخان و وزارت ابوعطا جوینی، اشاره کرد. (بهرمان، ۱۴۰۰: ۵۵). این بطوطه در سفرنامه خود بنای این حرم را قبل از وقوع آتش سوزی سال ۷۵۵ ق. دیده و وضع موجود و آثار آن از جمله درها، فرش ها، پرده های ابریشمی، قندیل های طلا و نقره و صندوق قبر و تزیینات آن را توصیف کرده است. (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۲۲۰).

سلاطین صفوی نیز اقدامات عمرانی گسترده ای در ابنیه عتبات عالیات و شهرهای مقدسه عراق انجام داده اند، که از آن جمله می توان به صندوق های خاتم کاری شده بر مزارها اشاره کرد. (کاظمی دلگانی، ۱۳۸۶: ۶۷). همچنین می توان به بازسازی کامل حرم کاظمین به فرمان شاه اسماعیل صفوی (آل یاسین، ۱۳۷۱: ۶۳) اشاره کرد که به

دستور وی اقدامات صورت پذیرفته دوران او را بر کتیبه‌ای ثبت و بر سمت بیرونی دیوار رواق شرقی حرم (کاظمین) نصب نمودند. (آل یاسین، ۱۳۷۱: ۶۲). شاه عباس در سال ۱۰۳۲ق. موفق به فتح عراق گردید. (ترکمان، ۱۳۵۰، ج ۳، ص ۹۹۶). در زمان وی شیخ بهایی، وظیفه طراحی و نظارت بر بنای این آستانه مطهر را بر عهده داشت. او طرح بسیار جامع و باشکوهی را ایجاد کرد و گنبد بسیار رفیعی برای حرم بنا شد و اطرافش را رواقی به عرض دوازده زراع که گرداگرد آن رواق، حجرات ساختند و قبه حرم با کاشی‌های زمردی منقش آراسته شد و داخل آن با بهترین کاشی‌های اصفهان و سنگ‌های مرمر، تزیین گردید (آقا سید عبدالله، ۱۳۷۲: ۶۰). شاه صفی صفوی نیز دستور داد «تا میرزا محمد تقی مشهور به ساروتقی، گنبد شکسته شده حرم از نو برپا نماید» (ترکمان، ۱۳۱۷: ۹۴). تاریخ اجرای این اقدام که هم‌زمان با حفر کانال آب از فرات به نجف است در قالب شعرو به حروف ابجد آمده است.^۱

نادر شاه افشار توجه ویژه‌ای به تزیین حرم امام علی علیه السلام داشت و به سال ۱۱۵۴ دستور به طلاکاری گنبد، مناره‌ها و ایوان حرم مطهر داد (استرآبادی، ۳۴۹). هم‌زمان با این تاریخ رضیه سلطان بیگم همسر نادر شاه نیز بانی مرمت مسجد بالاسر مبارک شده و هزینه تعمیرات آن را پرداخت می‌کند (استرآبادی، ۳۵۰). در عهد سلاطین قاجار اقدامات چشمگیری در خصوص آبادانی و مرمت ابنیه عتبات عراق صورت پذیرفته که از آن جمله می‌توان به کاشی‌کاری دیوارهای صحن اشاره کرد. ناصرالدین شاه در کتاب خاطرات سفر به عتبات به اقدامات عمرانی خود در عتبات عالیات و سایر سلاطین ایرانی مانند نادرشاه، که طلاکاری گنبد به فرمان وی انجام شده، اشاره می‌کند و از بانی قلعه شهر نجف حاجی محمد حسین‌خان صدر اصفهانی نام می‌برد (ناصرالدین شاه، ۱۳۶۲: ۱۵۲ و ۱۵۱ و ۱۲). (تصویر ۲)



تصویر ۲. کتیبه کاشی «بمعماری استاد ابراهیم طهرانی تمام شد» (بهرمان، ۱۴۰۰)

حاکمان عثمانی نجف و به‌ویژه سلطان عبدالحمید عثمانی نیز در حرم مطهر برخی اقدامات مرمتی و کاشی‌کاری را به انجام رسانده‌اند. این کاشی‌ها با مهر سلطان عبدالحمید در بدنه دیواره‌های صحن موجود است.

۱. «سال تاریخ چوپرسیدم از ایشان گفتند / آب ما از مدد ساقی کوثر آمد (۱۰۴۲)» (ترکمان، ۱۳۱۷: ۹۵).

۱ تزئینات بنای حرم مطهر نجف

در بنای حرم امام علی علیه السلام تزئینات فلزکاری، طلا کاری، آجرکاری، آئینه کاری، حجاری، منبت، خاتم، معرق چوب و کاشی کاری به درجه ای عالی کار شده است. اما تزئینات طلا کاری که در عهد نادرشاه افشار طی سال های ۱۱۵۴-۱۱۵۷ در سطوح گنبد، مناره ها و ایوان انجام شد شاخص ترین این تزئینات به شمار می رود. همچنین تمام سطوح دیوارهای صحن و بخش هایی از فضاهای داخلی روضه منوره با استفاده از کاشی های نفیس پوشش داده شده که اجرای آن ها مربوط به دوره های مختلف تاریخی است. بخش وسیعی از سقف رواق ها و روضه منوره نیز با آئینه کاری با طرح نقوش هندسی تزیین شده است. ازاره های حجاری شده با سنگ مرمر سبز در فضاهای داخلی روضه منوره از دیگر جلوه های هنرهای تزیینی در بنای حرم مطهر است و درهای موجود در فضاهای داخلی حرم که با تزئینات نقره کاری پوشش داده شده اند، هر یک مربوط به دوره های مختلف تاریخی هستند. آل محبوبه از درب های حرم که مربوط به تاریخ های ۱۲۱۹ ق. تا ۱۳۴۱ ق. می باشد و بانیان آن نام برده است (آل محبوبه، ۱۴۰۴: ۵۳). علی رغم تغییرات گسترده در بناهای عتبات در طی چند دهه اخیر که منجر به تعویض تزئینات قدیمی این بناها شده است، خوشبختانه، تزئینات کاشی کاری صحن حرم نجف کمتر دستخوش نوسازی شده و اصالت خود را حفظ کرده است.

۱ معرفی ارزش های هنری و تکنیکی تزئینات کاشی کاری حرم مطهر نجف

بنای حرم مطهر حضرت علی علیه السلام همواره محل آرایه هنر هنرمندانی بوده که سعادت خدمت به درگاه آن امام همام نصیبشان گشته است، از این رو جان و روح تزئینات حرم در بردارنده خلوص نیت و ارادت مریدان آن حضرت است. گذشته از طلا کاری گنبد، ایوان و مناره ها، آنچه در تزئینات حرم نجف بیش از هر تزیین دیگری جلوه می نماید تزئینات کاشی کاری است. کاشی های منقوش و رنگارنگ همه سطوح دیواره صحن را پوشانده است. در کاشی کاری های حرم نجف شیوه های مختلف کاشی کاری چون زرین فام، معقلی، معرق کار شده است؛ اما شیوه قالب، کاشی های هفت رنگی اند. علت را می توان مربوط به زمان شروع تزئینات کاشی کاری حرم دانست که در دوره صفوی بوده است. در دوره صفوی که ساخت بناهای عظیم گسترش یافته بود، کاشی اصلی ترین عنصر تزیین بنا به شمار می رفت، اما شیوه ساخت کاشی های معرق که تولید آن ها صرف زمان بسیاری را طلب می کرد، پاسخ گوی نیاز بازار مصرف نبود. به این سبب کاشی های هفت رنگی که تولید آن در قیاس با کاشی معرق از سرعت بیشتری برخوردار بوده و تنوع طرح را نیز ممکن می ساخت، متداول می گردد. این نوع کاشی نسبت به کاشی معرق وزن کمتری داشتند، لذا حمل و نقل آن ها بسیار ساده تر بود. به این علت کاشی کاران عصر صفوی استفاده از کاشی های هفت رنگی را ترجیح می دادند. البته باید توجه داشت تولید کاشی های هفت رنگی، دانش فنی و مهارت زیادی را طلب می کند؛ چرا که کاشی هفت رنگ هنری صناعی است. فرایند تولید کاشی هفت رنگی مشتمل بر تهیه و عمل آوری مواد مورد نیاز خشت، ساخت لعاب و رنگ زها، ساخت بدنه، پخت و آماده سازی لعاب (فریت)، بوم نمودن بدنه و پخت اولیه، انتقال طرح و یا اجرای نقش، قلم گیری، لعاب گذاری نقش و پخت نهایی است که هر یک نیاز به مهارت خاص خود دارد. یک تزیین کاشی هفت رنگ، مینایی یا خشتی به واقع از چیدمان خشت های لعابدار با اشکال منظم هندسی و به طور اخص مربع شکل در کنار هم تشکیل می شود و در تولید یک نقش یا کتیبه، هر یک

از خشت‌ها، بخشی از طرح کلی را بر خود دارد. لذا زمانی می‌توان آن‌ها را مورد استفاده قرار داد که همه خشت‌ها در سلامت کامل باشند. در فرایند تولید با تخریب و یا بروز اشکال در هر قطعه از خشت‌ها، مجموعه آن‌ها دچار مشکل می‌گردد. در کاشی‌های هفت‌رنگ، اکسیدهای فلزی عامل رنگ بخشی به لعاب هستند و بعضاً به دلیل تفاوت درجه پخت آن‌ها، لازم می‌گردد کاشی نقاشی شده طی چندین مرحله و تحت دماهای مختلف در کوره پخته شود. به این سبب با توجه به رفتارهای بعضاً پیش‌بینی نشده کاشی‌های سنتی در مراحل دریافت حرارت یا سرد شدن، دچار شوک‌های حرارتی شده و متحمل آسیب‌هایی چون شکستن، تغییر رنگ، سوختن یا شُرّه کردن لعاب شوند. بنابراین با وقوع هریک از این حالت‌های فوق، حتی در یک قطعه خشت از کاشی‌های یک مجموعه واحد، کُل کار غیرقابل استفاده خواهد شد، مگر آنکه فرایند ساخت برای همین قطعه تکرار شود که در آن صورت هم دست‌یابی به تنالیت‌های رنگی مرحله اول پخت و هم‌رنگ شدن با مجموعه، دشواری‌های خاص خود را در پیش رو دارد. این در حالی است که در کاشی‌های معرق قطعاً کاشی مربوط به یک طرح، جداگانه تراشیده شده و در صورت اشکال در تراش هر قطعه، می‌توان با صرف زمان کوتاهی، قطعه جایگزین را تراش داد. بنابراین علی‌رغم سرعت بالاتر تولید کاشی‌های هفت‌رنگی در قیاس با دیگر انواع کاشی‌ها و از جمله کاشی معرق و معقلی، به دلیل نیاز به دانش و مهارت‌های مختلف و همچنین ریسک‌پذیری بالا، ساخت آن‌ها دشوارتر است.

متأسفانه مهارت‌های صناعی تولید کاشی‌های هفت‌رنگ همواره در سایه ارزش‌های هنری و زیباشناختی آن‌ها مغفول مانده است. کاشی‌های هفت‌رنگی یا مینایی در طول تاریخ تولید خود، مسیری تکاملی را پشت سر نهاده و ارزش‌های زیبایی‌شناختی آن‌ها بسیار افزایش یافته است. کاشی‌سازان عهد صفوی در تولید آجرهای لعابدار تک‌رنگ و منقوش به سطح ممتازی از زیبایی دست یافتند، کاشی‌های برجای مانده بر روی بناهای این دوره، چون کاشی‌کاری پوشش داخلی مسجد شیخ لطف‌الله و مسجد شاه اصفهان شاهدهی بر این مدعا است. در کاشی‌های هفت‌رنگی دوره صفوی، نقاشان کاشی با بازی با لعاب و دواندن لعاب‌های رنگی متفاوت در هم، به سایه روشن‌هایی زیبایی دست می‌یافتند، لذا می‌توان گفت به نوعی لعاب نقاشی ورود کرده که نقش کاشی‌ها، تجسمی از نقاشی‌های آبرنگی را نمایان می‌ساخت. در کاشی‌های هفت‌رنگی منسوب به عهد صفوی در حرم مطهر نجف، تعهد هنرمندان نقاش به سنت‌های هنر نقاشی ایرانی و مفاهیم معنوی قائل شده برای رنگ لعاب‌ها، به وضوح نمایان است. البته بعضاً در کاشی‌های منسوب به عهد صفوی حرم نجف، ارزش‌های هنری و تکنیکی مورد انتظار از هنر کاشی‌کاری صفوی مشاهده نمی‌گردد (تصویر ۳)؛ به‌ویژه وقتی آن‌ها را در قیاس با کاشی‌های بناهای عهد صفوی ایران قرار می‌دهیم. شاید بتوان علت این کاهش کیفیت را مربوط به مکان تولید آن‌ها دانست، زیرا با توجه به بُعد مسافت بین اصفهان تا نجف و همچنین وزن کاشی‌ها و امکانات حمل و نقل در آن دوران، بعضی کاشی‌کاران ایرانی ترجیحاً در کربلا و یا نجف به تولید کاشی می‌پرداخته و از خاک این مناطق برای تولید کاشی استفاده می‌کرده‌اند، به این علت عدم کیفیت مناسب خاک و سایر اقلام مورد نیاز ساخت کاشی، دستیابی به محصول با کیفیت و خوب را ممکن نمی‌ساخته است. به هر حال استفاده از کاشی‌های هفت‌رنگ در تزئین بناهای عتبه که از عصر صفوی آغاز شده بود در دوره‌های بعد نیز ادامه یافت و کاشی‌های قدیمی جدااره‌های صحن که از دوره‌های مختلف تاریخی در محدوده صفوی تا قاجار و همچنین حاکمان عثمانی نجف باقی مانده‌اند، تماماً از نوع هفت‌رنگی هستند. این کاشی‌ها بنا بر دوره ساخت، هنرمند نقاش، کاتب و سازنده از کیفیت‌های هنری متفاوتی برخوردارند.



تصویر ۳. تزیینات
کاشی کاری ایوان
حجره های طبقه دوم
جبهه جنوبی صحن،
عهد صفوی، (بهرمان،
۱۴۰۰)



تصویر ۴. تزیینات
کاشی کاری باب
مسلم بن عقیل،
(بهرمان، ۱۴۰۰)

پس از عهد صفوی، سنت هنر کاشی کاری توسط هنرمندان صنعتی عهد زند و قاجار دنبال شد و گروهی از هنرمندان نقاش کاشی، کار خود را بر پایه اصول هنر اصیل عهد صفوی با تأکید بر نقوش اسلیمی ادامه دادند. تولیداتی با این سبک هنری در کاشی کاری های عهد قاجار حرم مطهر نجف مشاهده می گردد (تصویر ۴).

اما گروه دیگری از نقاشان کاشی این دوره به شیوه های جدید روی آوردند، شیوه هایی که از تکنیک و اسلوب زیبا شناختی هنر اروپا تأثیر پذیرفته بود. در این دوره به لحاظ افزایش سطح تأثیر پذیری هنرمندان ایران زمین از سبک های هنری اروپا، شکلی از هنر به منصفه ظهور رسید که می توان آن را هنر اختلاطی نامید. این شکل از هنر، بخشی از ارزش های هنر اصیل ایرانی را تحت الشعاع خود قرار داد و بیشترین تأثیر را بر هنر نقاشی از خود برجای گذاشت. از سوی دیگر با توجه به شرایط ایجاد شده در عصر زند و قاجار و رونق هنر کاشی و اشتغال به کار هنرمندان سبک های جدید نقاشی در کارگاه های کاشی سازی و مورد اقبال قرار گرفتن کاشی های نقاشی شده با شیوه ایرانی - فرنگی از سوی طبقه اشراف برای تزیین خانه ها و ویلاهای خود، سبک لعاب - نقاشی به سرعت گسترش و عمومیت یافت، به طوری که استفاده از آن حتی در بناهای مذهبی که تا پیش از این ترسیم نقش انسان و جانداران مکروه و ممنوع بود، رواج یافت و نقوش اسلیمی جای خود را به منظره پردازی و گل و مرغ هایی داد که در نقاشی های رنگ و روغن سبک اروپایی معمول بود. در عین حال باید اذعان نمود که این تأثیر هرگز نتوانست مانع شکوفایی ارزش های صنعتی هنر کاشی سازی ایران گردد. در این دوره استادان کاشی ساز ایرانی نوآوری های بسیاری در عرصه های مختلف تولید کاشی و از آن جمله لعاب های رنگی و به ویژه رنگ زرد و قرمز اکسید طلا را ارائه نمودند و شیوه های جدیدی در نقاشی با لعاب خلق کردند که امروز به تکنیک لعاب - نقاشی شناخته می شود. شیوه ای که توسط نقاشان کاشی دوره قاجار و به ویژه در عهد ناصرالدین شاه به طور گسترده مورد استفاده قرار گرفت. اجرای این شیوه از نقاشی نیاز به مهارت زیاد هنرمند به نقاشی، لعاب گذاری و شناخت کافی او از رفتار لعاب های رنگی در زمان پخت داشت.

یکی از تکنیک های مورد استفاده توسط نقاشان کاشی در این دوره تکنیک برداشت رنگ لعاب و هویدا نمودن رنگ سفید زمینه در نقوش به ویژه گل و مرغ بود. این شیوه به نقوش عمق بخشیده و پرسپکتیو آن را تقویت می کرد، از این رونق کاشی های این دوره شباهت چشمگیری با نقاشی های رنگ روغن پیدا کرد (تصاویر ۵ تا ۱۱). هرچند این شیوه از نقاشی از هنر اصیل ایرانی فاصله داشت، اما قلم قوی هنرمندان نقاش کاشی این دوره، آثار بی بدیلی را از خود خلق کردند که به واقع ستودنی است. وجود زیبایی و اقبال روی آورده به این نوع از کاشی از سوی سلاطین، اشراف

و بنیان کاشی‌کاری اماکن مقدسه، موجب استفاده از این سبک کاشی در تزیینات کاشی‌کاری بسیاری از بناهای عهد قاجار و به ویژه عهد ناصرالدین شاه شد، که از آن جمله می‌توان به مسجد سپهسالار، مسجد نصیرالملک شیراز، کاخ گلستان و بناهای عتبه مقدسه عراق و حرم امام رضا علیه السلام و حرم حضرت معصومه علیها السلام اشاره کرد.

از آنجا که سطح وسیعی از کاشی‌کاری‌های حرمین عراق مربوط به عهد قاجار و یا سلاطین عثمانی هم‌عصر قاجار است و این دوران، عصر رواج کاشی هفت رنگی با شیوه لعاب - نقاشی است، بنابراین بیشترین حجم کاشی‌های حرمین با همین تکنیک ساخته شده است. لازم به ذکر است که در این عهد حتی سلاطین عثمانی برای کاشی‌کاری در حرم سفارش خود را به استاد کاران ایرانی می‌داده‌اند. نمونه‌هایی از کاشی‌های حرم که به کاشی‌های کربلایی مشهورند نیز نشان می‌دهد که با همین شیوه لعاب - نقاشی کار شده و قطعاً این شیوه را از استادان ایرانی آموخته بوده‌اند.



تصویر ۶. کاشی نقاشی شده با شیوه لعاب - نقاشی، عهد قاجار، حرم مطهر نجف، (بهرمان، ۱۴۰۰)



تصویر ۵. کاشی هفت رنگی عهد قاجار، شیوه لعاب - نقاشی، حرم مطهر نجف دیوار غربی حیاط جبهه شمال شرقی صحن حرم، (بهرمان، ۱۴۰۰)



تصویر ۷. نقاشی دسته گل روی کاشی کاخ گلستان، (بهرمان، ۱۴۰۰)



تصویر ۸. نقاشی دسته گل
روی کاشی، حرم مطهر علوی،
نجف، (بهرمان، ۱۴۰۰)



تصویر ۱۰. کاشی عهد قاجار، ایوان باب القبه
حرم مطهر کاظمین، (بهرمان، ۱۴۰۰)



تصویر ۹. کاشی عهد قاجار، ایوان باب القبه
حرم مطهر سامرا، (بهرمان، ۱۴۰۰)



تصویر ۱۱. کاشی شیوه لعاب - نقاشی عهد
قاجار، مقبره شاه نعمت الله ولی، ماهان،
(بهرمان، ۱۴۰۰)

۱ | بررسی تاریخی تزیینات کاشی کاری بنای حرم مطهر نجف

بنای کنونی حرم مطهر نجف، بنایی است که در طی قرن‌ها تکمیل، مرمت و بخش‌هایی به آن الحاق و یا از آن حذف شده است. با توجه به اینکه تزیینات کاشی کاری دیوارهای صحن طی سال‌های متمادی تحت تأثیر عوامل محیطی قرار داشته و طبیعتاً فرسایش می‌یافته، در دوره‌های مختلف مرمت و گاه نوسازی شده‌اند. بنابراین ساختمان و تزیینات موجود حرم هر یک معرف زمانی خاص از تاریخ بنا و اقدامات عمرانی صورت پذیرفته در هر دوراند. خوشبختانه مطابق با سنت حسنه‌ای که از گذشته میان نقاشان، کاتبان و کاشی‌سازان مرسوم بوده و عموماً در انتهای کتیبه یا کاشی کاری، نام خود و تاریخ اجرای آن را می‌نوشته‌اند، امروز فرصت مناسبی فراهم گردیده تا با شناسایی نام‌ها و تاریخ‌های درج شده در کاشی‌ها به دوره‌های مختلف اجرای تزیینات حرم و هنرمندان آن پی ببریم. در حرم امام علی علیه السلام نیز بخش‌های قابل توجهی از تزیینات کاشی کاری، تاریخ، نام نقاش و یا کاتب کتیبه را بر خود دارند. اضافه بر آن در متون قدیمی نیز به این اقدامات اشاراتی شده که حائز اهمیت بسیارند. لذا در این پژوهش ابتدا به مطالعه مستندات مکتوب در خصوص تاریخ نجف، سفرنامه‌ها و اسناد تاریخی مربوط به اقدامات عمرانی سلاطین مختلف در نجف پرداخته شده و سپس کاشی‌های حرم مورد بررسی قرار گرفته و ماده تاریخی، نام کاتب و کاشی‌ساز آن‌ها ثبت و با مستندات مکتوب انطباق داده شده است.

قدیم‌ترین نمونه کاشی موجود در حرم مربوط به قطعاتی چند از کاشی‌های زرین فام‌اند که به صورت شکسته و پراکنده در خزانه حرم مطهر نگهداری می‌شود. «این قطعات قبل از انتقال به خزانه حرم بر دیوار جنوبی مسجد جامع الراس یا مسجد ایلخانی نصب بوده و به دلیل تخریب این مسجد در اقدامات عمرانی سال ۱۳۸۵ از جداره مسجد جدا و به خزانه انتقال داده شده‌اند. در بررسی و مطالعه مستندات تاریخی مرتبط با حرم، متأسفانه ذکری از این کاشی‌ها مشاهده نگردید، حتی در فهرست دقیقی که در سال ۷۵۵ ابن بطوطه طی سفر خود به نجف از تزیینات حرم ارائه داده، اشاره‌ای به این کاشی‌ها که احتمالاً در آن تاریخ در سلامت بوده‌اند نشده است.» (بهرمان، ۱۴۰۰) این عدم اشاره در مکتوبات عهد صفوی و یا در سفرنامه‌های دیگر چون سفرنامه ناصر خسرو قبادیانی و ناصرالدین شاه قاجار که به معرفی تزیینات و بانیان تزیینات حرم اشاره دارد، جای تعجب بسیار دارد. اما در پژوهشی دیگر که با هدف شناسایی و تعلق تاریخی این محراب توسط این‌جانب انجام شد و طی آن از روش‌های آزمایشگاهی شناخت مواد، سالیابی ترمولومینسانس، بررسی تطبیقی نقش و لعاب این قطعات با محراب‌های زرین فام عهد ایلخانی و همچنین اسناد تاریخی عهد ایلخانان مغول و حضور ایشان در عراق صورت پذیرفت مشخص گردید که «این قطعات کاشی مربوط به محراب زرین فامی بوده است که به دستور آباقاخان مغول، توسط محمد بن علی ابن طاهر کاشانی در محدوده سال ۶۶۳ ق. در ایران ساخته و به نجف انتقال داده شده و در مسجد ایلخانی یا جامع الراس که آن هم در دوران آباقاخان و حکمرانی ابوعطا جوینی برنجف در کنار روضه منوره ساخته شده و نصب گردیده است» (بهرمان، ۱۴۰۰) (تصویر ۱۲). ساخت محراب با کاشی‌های زرین فام در عهد مغول از اهمیت بسزایی برخوردار بوده است. «در این دوره، از سه تکنیک برای تولید کاشی استفاده می‌شد که عبارت‌اند از: لعاب تک‌رنگ، رنگ آمیزی مینایی روی لعاب و رنگ آمیزی زرین فام روی لعاب. استفاده از کاشی طلایی یا «زرین فام» در تزیینات معماری مربوط به دوره اسلامی است. استفاده از آن در دوره ایلخانان به اوج رسید و تحول چشمگیری در آن به وجود آمد» (عباسیان، ۱۳۷۹: ۱۱۴).

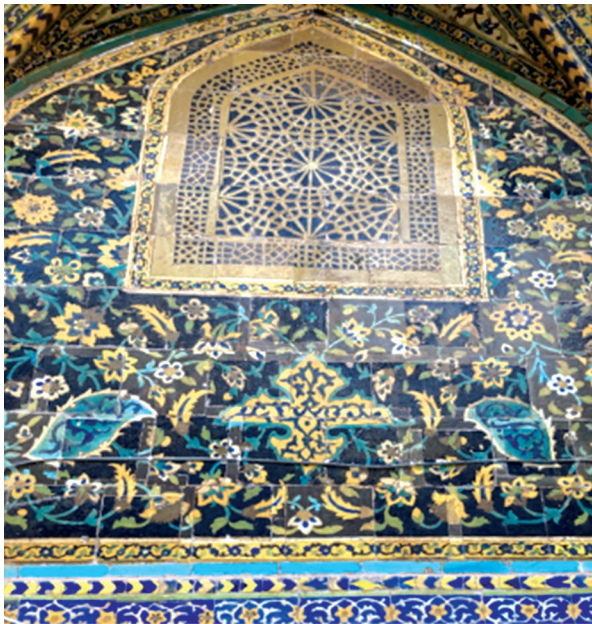


تصویر ۱۲. قطعات باقی مانده از محراب زرین فام نجف و مکان یابی آن‌ها در شکل در نظر گرفته برای محراب (عکس و طرح از علیرضا بهرمان)

سند متقن دیگری که به کاشی‌کاری‌های حرم مطهر در گذشته دور اشاره دارد توصیفی است که ابن بطوطه در آغاز ورود خود به آستانه حرم مطهر از تزیینات کاشی‌کاری دیواره‌های حرم ارائه می‌دهد. «... روبه روی مقبره مدارس و زوایا و خانقاه‌هایی قرار دارد که دایره با رونق می‌باشند دیوارهای مقبره از کاشی است که چیزی همانند «زلیج»^۱ اما از حیث جلا و نقش زیباتر از آن است» (ابن بطوطه، ۱۳۷۶، ص ۲۱۹). با توجه به اشاره ابن بطوطه نسبت به کاشی دیوارهای حرم از یک سو و از سوی دیگر با توجه به بناهای دوره ایلخانان مغول که گنبدها را با آجرهای لعاب دار نره و تک رنگ پوشش می‌داده‌اند، آن‌گونه که در گنبد سلطانیه زنجان انجام شده بوده، می‌توان احتمال داد که گنبد حرم نجف را حتی قبل از عهد صفوی نیز با کاشی پوشش داده‌اند. سلاطین صفوی اقدامات گسترده‌ای در آبادانی و مرمت حرم عتبات عراق انجام دادند که از آن جمله اجرای کاشی‌کاری و یا مرمت آن‌ها بوده است. شاه اسماعیل، اولین شاه سلسله صفوی بود که به عراق و عتبات سفر کرد. هم‌زمان با ورود شاه اسماعیل به عراق، (سال ۹۱۴ ق.) اقدامات عمرانی و تلاش برای بازسازی و توسعه عتبات آغاز شد. شاه عباس اول، در سال ۱۰۳۲ ق. موفق به فتح عراق می‌گردد (ترکمان، ۱۳۵۰، ص ۹۹۸-۹۹۶). در زمان وی شیخ بهایی، وظیفه طراحی و نظارت بر بنای این آستانه مطهر را بر عهده داشت، او طرح بسیار جامع و باشکوهی را ایجاد کرد، گنبد بسیار رفیعی برای حرم بنا شد و اطرافش را رواقی به عرض دوازده زراع که گرداگرد آن رواق، حجرات ساختند و ... قبه حرم با کاشی‌های زمردی منقش آراسته شد و داخل آن با بهترین کاشی‌های اصفهان و سنگ‌های مرمر، تزیین گردید (الصادقی، ۱۳۷۲، ص ۶۰). در زمان شاه صفی صفوی نیز اقدامات عمرانی در حرم نجف صورت پذیرفت و گنبد حرم تجدید بنا گردید» (ترکمان، ۱۳۱۷، ص: ۹۴) اما علی‌رغم وجود مستندات مکتوب^۲ در خصوص اقدامات عمرانی

۱. زلیج: نوعی آجر کاشی که رنگ و نقش نامطبوع دارد، در الجزایر و جز آن: و حیطانها بالقاشانی و هو شبه الزلیج عندنا. (ابن بطوطه، یادداشت بخط دهخدا).

۲. «دیوارها و ایوان‌های بالای صحن که به فرمان شاه صفی با کاشی تزیین شده بود بعد از صد سال اکثر آن‌ها شکسته و مفقود شده بودند» (آل محبوبه، ۱۴۰۶، ص: ۵۶).



تصویر ۱۳. کاشی‌های موجود در درگاه حجره‌های طبقه دوم جداره جنوبی صحن حرم مطهر منسوب به عهد صفوی (بهرمان، ۱۴۰۰)

شاهان صفوی در حرم نجف، متأسفانه هیچ اسم و یا کتیبه‌ای که به نام سلاطین صفوی، نقاشان، کاتبان یا ماده تاریخی مربوط به آن دوران اشاره داشته باشد، مشاهده نمی‌گردد. هرچند از سبک و سیاق کاشی‌های سطوح برخی از دیواره‌های صحن می‌توان تعلق آن‌ها را به عهد صفوی دانست. (تصویر ۱۳) ناصرالدین شاه قاجار در سفر به عتبات و تشریف به حرم مطهر نجف می‌نویسد: «در انتهای بازار وارد صحن شدیم صحنی است وسیع با روح، اطراف آن دو مرتبه حجرات است با کاشی معرق ساخته شده، خیلی رفیع و ممتاز اصل بنای آن از سلاطین صفوی رضوان الله علیهم است اگر چه بالای سردر صحن اسم نادر شاه رقم شده است، نوشته که در طلا کاری گنبد که از اوست در صحن هم تعمیرات کرده باشد» (ناصرالدین شاه، ص: ۱۵۲). البته با توجه به کاشی‌های موجود صحن که کاشی هفت‌رنگی و به کاشی‌های عهد صفوی شبیه هستند، باید گفت تشخیص ناصرالدین شاه از شناخت تکنیک ساخت کاشی‌ها صحیح نبوده و کاشی‌های هفت‌رنگی را به اشتباه کاشی معرق معرفی کرده است.

قدیم‌ترین کاشی‌های حرم که در خود اشاره به نام کاتب و تاریخ دارند، مربوط به عهد نادر شاهی است. «در عهد نادرشاه افشار و هم زمان با اجرای طلاکاری گنبد، ایوان و مناره حرم، برخی از جداره‌های صحن نیز کاشی‌کاری شده است.» تذهیب القبه و ایوان‌ها و مناره‌ها بامر نادرشاه و با مبلغ زیادی پول که همسر نادر شاه پرداخت کرد، کاشی‌های تخریب شده عهد شاه صفی صفوی تجدید شد. شروع این کار در سال ۱۱۵۶ و اتمام آن در سال ۱۱۶۰ بود. هزینه این کار توسط خاتون گوهر شاه بیگم (همسر نادر شاه) به مبلغ ۱۰۰۰ سکه نادری، پرداخت شد. (آل محبوبه، ۱۴۰۶. ص ۵۶) کاشی‌کاری‌های عهد نادری در جداره ایوان میزاب الذهبی (ناودان طلا)، با ماده تاریخی سال ۱۱۵۷ ق. و نام کاتب کمال‌الدین حسین گلستانه نوشته شده است. (تصویر ۱۴) در حاشیه کتیبه نیز قصیده‌ای به زبان عربی وجود دارد.



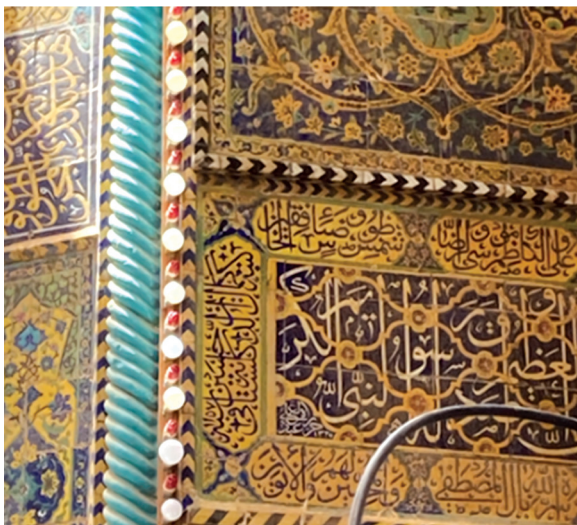
تصویر ۱۴. ایوان میزاب الذهبی (ایوان ناودان طلا) و کاشی‌کاری هفت‌رنگی عهد نادرشاهی، (بهرمان، ۱۴۰۰)

در تیزه قوس سقف ایوان میزاب الذهبی کتیبه‌ای است که کلمه السلطان در آن خوانده می‌شود. به نظر می‌رسد که بخشی از متن کتیبه پوشش داده شده است (تصویر ۱۵). در کتیبه موجود در کاشی‌کاری ایوان ناودان طلا (تصویر ۲۷) نام کاتب کمال‌الدین حسین گلستانه فی سنه ۱۱۵۷، به خطی زیبا بالعباب لاجوردی برزمینه بالعباب زرد نوشته شده است.



تصویر ۱۵: تزیینات ایوان میزاب الذهبی
با امضای کمال‌الدین حسین گلستانه،
۱۱۵۷ ق. (بهرمان، ۱۴۰۰)

نکته قابل توجه در این کتیبه، تفاوت ماده تاریخ موجود در حاشیه کتیبه با ماده تاریخ آورده شده در نوشته‌های قرآنی بخش میانی کتیبه است. همانگونه که در تصویر مشاهده می‌گردد، در حاشیه سمت راست کتیبه تاریخ ۱۱۵۷ ق. و نام کاتب کمال‌الدین حسین گلستانه نوشته شده، در حالی که در گوشه پائین سمت چپ متن میانی کتیبه، تاریخ ۱۳۲۷ ق. و امضای عبدالعلی حریره، درج شده است (تصویر ۱۶). این تفاوت تاریخ نشان می‌دهد، کاشی‌های قسمت مرکزی کتیبه بعدها تعویض شده است. علت تعویض مشخص نیست، قطعاً نمی‌توانسته به دلیل فرسایش یا تخریب کاشی‌های این بخش باشد، چرا که تمام کاشی‌های این ایوان و به خصوص کاشی‌های حاشیه کتیبه کاملاً سالم‌اند، لذا می‌توان حدس زد که متن موجود در کاشی‌های مرکزی کتیبه مورد وفاق متولیان بعدی حرم نبوده است. به این ترتیب نسبت به تعویض آن اقدام نموده‌اند. البته لازم به ذکر است زمانی که مشغول ترمیم کتیبه طلای ساق گنبد حرم مطهر بودم و به دنبال شناسایی شاعراییات فارسی می‌گشتم، مشخص شد ابیات متعلق به «ذکی محمد» متخلص به ابن ندیم شاعر سنی مذهب دربار نادر شاه است. با مراجعه به دیوان ذکی محمد و انطباق اشعار کتیبه با متن دیوان، مشاهده شد، در ابیات دیوان بیتی وجود دارد که نام خلفای راشدین در آن آورده شده است، اما این بیت در ابیات کتیبه گنبد مطهر حرم نجف وجود نداشت و نشان می‌داد که این بیت در زمان ساخت کتیبه به عمد حذف شده بوده است. بنابراین می‌توان حدس زد در کاشی‌های ایوان نیز مورد مشابهی وجود داشته که در زمان‌های بعد مورد اعتراض قرار گرفته و ۱۷۰ سال بعد از نصب اولیه، در سال ۱۳۲۷، مصادف با حاکمیت سلاطین عثمانی بر نجف نسبت به تعویض آن اقدام شده است. نکته حائز اهمیت در این تعویض، متعهد بودن کاشی‌ساز جدید به نقش کاشی‌های قبلی است، چرا که نقش، خط و رنگ کاشی جدید، مطابق با کاشی قدیمی است. این موضوع زمانی وضوح می‌یابد که تصویر این کاشی‌کاری با کاشی‌های ایوان العلما که در همین دوره توسط کمال‌الدین گلستانه ساخته شده و در مشابهت کامل با کاشی‌کاری ایوان میزاب الذهبی است، در کنار هم قرار داده شوند (تصاویر ۱۷).



تصویر ۱۷. کتیبه میزاب الذهبی، ۱۱۵۷، کاتب،
کمال الدین حسین گلستانه



تصویر ۱۶. تغییر در کتیبه میانی تزئینات
کاشی کاری ایوان میزاب الذهبی، با ماده تاریخ
۱۳۲۷ و امضاء عبدعلی حریره. (بهرمان، ۱۴۰۰)

بنابر توضیح داده شده در صفحه ۵۷ کتاب **ماضی النجف و حاضرها** زمان شروع کاشی کاری های ایوان میزاب الذهبی که بانی آن خاتون گوهر شاه بیگم، همسر نادرشاه بود، سال ۱۱۵۶ و اتمام آن سال ۱۱۶۰ بوده است، یعنی سالی که نادر شاه به قتل می رسد. در این اقدام کاشی کاری و از محل همان اعتبار پولی که همسر نادر شاه در اختیار گذاشته، ایوان العلماء (تصویر ۱۸) هم که بیشتر محل دفن لامانله صوفی و اشراف ایرانی است، کاشی کاری شده است. در کتیبه موجود در کاشی کاری این ایوان، تاریخ ۱۱۶۰ و کاتب آن کمال الدین حسین گلستانه نوشته شده است (تصویر ۱۹). در حاشیه کتیبه کمربندی ایوان العلماء قصیده لقوام الدین فیها تعداد اسماء ائمه علیهم السلام با خطاطی کمال الدین حسین گلستانه آورده شده است.



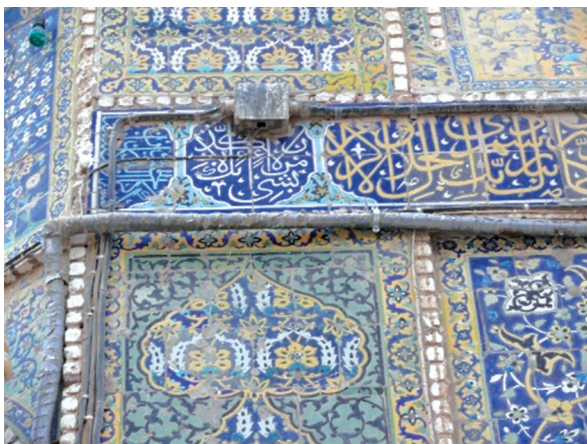
تصویر ۱۸: کتیبه ایوان العلماء، کاتب کمال الدین
حسین گلستانه، فی سنه ۱۱۶۰، (بهرمان، ۱۴۰۰)



تصویر ۱۹: بخش انتهایی کتیبه ایوان العلماء،
کاتب کمال الدین حسین گلستانه، فی سنه ۱۱۶۰
(بهرمان، ۱۴۰۰)



همان‌گونه که قبلاً مورد اشاره قرار گرفت، موضوع قابل توجه در کاشی‌کاری این دو ایوان، مشابهت بسیار زیاد بین طرح و نقش کاشی‌کاری آن‌ها است. طراحی، رنگ آمیزی و شیوه خطاطی به‌کار رفته در کتیبه این دو ایوان کاملاً مشابه یکدیگرند و تنها تفاوت در متون به‌کار رفته در آن‌هاست. این نوع از مشابه سازی کمتر در کاشی‌کاری بناها دیده شده به‌ویژه اینکه کاشی‌کاری در دو جبهه متفاوت یک بنا که حالت قرینه‌ای هم با یکدیگر ندارند، اجرا شده باشد. در جداره غربی حیاط جبهه شمالی و کنار ایوان العلما و در جهت شرق جداره، کتیبه زمینه لاجوردی با خطوطی نوشته شده با لعاب زرد وجود دارد که در انتهای آن نام استاد کمال‌الدین حسین گلستانه ذکر شده است و نشان می‌دهد که کاشی‌کاری این بخش نیز در دستور کار کاشی‌کارهایی بوده که بانی آن خاتون گوهر شاه بیگم بوده است (تصویر ۲۰).



تصویر ۲۰. کتیبه جداره غربی حیاط جبهه شمالی
صحن، سمت ایوان علما، بدون تاریخ و با
امضای کمال‌الدین حسین گلستانه

پس از عهد نادری، قدیم‌ترین کاشی تاریخ‌دار مربوط به کتیبه کاشی نمای داخلی باب الساعه است (تصویر ۲۱). در انتهای این کتیبه تاریخ ۱۱۹۸ و نام کاتب محمدرضا درج شده است. بررسی این کتیبه نشان می‌دهد که چهار خشت کاشی انتهای کتیبه تعویض و نوسازی شده است، ولی الباقی کاشی‌های کتیبه قدیمی و اصلی هستند (تصویر ۲۲). در چهار خشت تعویض شده تاریخ، فی ۱۱۹۸ و نام کاتب، کتبه محمدرضا آورده شده. اما در کتاب *ماضی النجف و حاضرها* در توضیح این باب الساعه آورده شده که کاتب اصغر و تاریخ آن ۱۱۹۸ است^۱ (آل محبوبه، ۱۴۰۴، ص ۴۱). بنابراین به نظر می‌رسد که با فرسایش چهار کاشی انتهای کتیبه، نام نقاش که به گفته آل محبوبه، اصغر نام داشته از میان رفته بوده و کاشی‌ساز جدید تنها اطلاعاتی را در کاشی‌های جدید نوشته که توانسته بوده از کاشی قدیمی برداشت کند. بر اساس مستندات تاریخی در کاشی‌کاری این ایوان تاریخ ۱۲۳۴ ق. بر کاشی‌هایی که بانی آن حاج عبدالحسین بهادرخان بوده نیز وجود داشته که احتمالاً در تعمیرات دوره‌های بعد از میان رفته و اکنون موجود نیست.^۲

۱. «اول درب بزرگ در جهت شرقی که منتهی می‌شود به یک خط مستقیم به سمت خارج (مسیر بازار) چند تاریخ در آن وجود دارد. در خصوص کاشی‌ها، این تاریخ در داخل صحن شریف در سمت چپ رو به خارج این درب بزرگ آیات قرآنی نوشته شده با کاشی و کاتب اصغر ۱۱۹۸ قمری و در آخر نویسنده محمدرضا».

۲. «آنچه در داخل صحن مطهر بر ستون‌های سمت چپ رو بیرون آن (باب الساعه) وجود دارد آیات دیگری به خط سفید دقیق مورخ ۱۲۳۴ ق. که در انتهای آن نام (بانی) البثل (حاج عبدالحسین بهادرخان) آمده و موجود است.» (آل محبوبه، ۱۴۰۴، ص ۴۱)



تصویر ۲۲. تاریخ
کتیبه کاشی کاری
نمای داخل صحن
باب الساعه امام
رضا علیه السلام سنه
۱۱۹۸ ق.



تصویر ۲۱. باب
امام رضا علیه السلام یا
باب الساعه نمای
داخل صحن

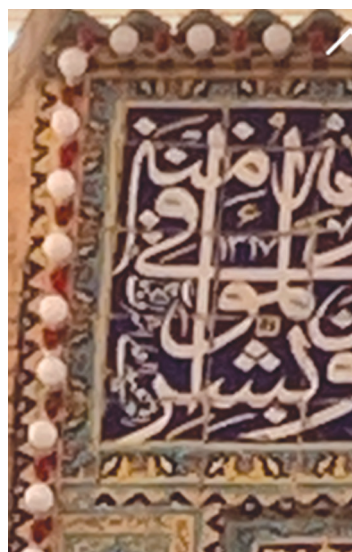
نمای بیرونی باب الساعه نیز با کاشی تزیین شده است. (تصویر ۲۳) در چند کتیبه از کاشی کاری های این نما تاریخ ۱۳۲۷ درج گردید، (تصویر ۲۴) بنابراین به نظر می رسد که کاشی های قدیمی باب الساعه در این تاریخ جمع آوری و مجدداً با کاشی جدید کاشی کاری شده است. در کتاب ماضی النجف و حاضرها اشاره شده که ساخت سردر باب الساعه در تاریخ ۱۳۲۷ ق. اتمام یافته است. بیرون درب، آیات قرآن و روایاتی از جمله تاریخ اتمام بنای فعلی در سال ۱۳۲۷ و کاشی کاری با ابیاتی به فارسی و عربی قرار دارد، از جمله:

خیرالریه بعد احمد حیدر والناس ارض والوصی سماء

منهت لیبتان برای زهد تاریک شیخ حسین نجف کبیر روحش قرین رحمت باد.

ایا عله الایجاد حاربک الفکر وفی کنه معنی ذاتک التبس الامر (آل محبوبه، ۱۴۰۴. ص ۴۱).

در کنار تاریخ های ذکر شده در کاشی کاری های این درب تنها در دو کتیبه به نام کاتب اشاره شده که در یکی از آن ها نام کامل کاتب، عبدالعلی اشرف و تاریخ ۱۳۲۷ آمده است (تصویر ۳۴).



تصویر ۲۳. تزیینات
کاشی کاری نمای بیرونی
باب الساعه (باب الامام
رضا علیه السلام)

تصویر ۲۴. کتیبه رخ بام
نمای بیرون باب الساعه
به تاریخ ۱۳۲۷، الکتاب
عبدالعلی اشرف



در کتیبه دور پنجره چوبی نمای بیرونی باب الساعه که بالعب سفید برزمینه لاجوردی نوشته شده است، تاریخ و نام کاتب ناقص است (تصویر ۲۵). به نظر می‌رسد این نقص به دلیل تعویض و نوسازی انجام شده در دوردیف آخر کاشی‌های کتیبه باشد. شاید کاشی‌ساز جدید به دلیل آسیب دیدگی و ناخوانا شدن اطلاعات کاشی‌های قدیمی قادر به خواندن تاریخ و نام خطاط نشده، بنابراین او نیز در کاشی‌های جدید تنها کلمه قابل خواندن یعنی (لعلی) را منعکس کرده است. اما با توجه به کتیبه کمربندی بالای در چوبی همین ایوان (تصویر ۲۶) که امضای کاتب عبدالعلی و تاریخ ۱۳۲۷ را دارد، به نظر می‌رسد کاتب این کتیبه نیز همین استاد بوده است.



تصویر ۲۶. کتیبه کاشی نمای بیرونی باب الساعه (کتیبه دور پنجره چوبی) با امضای و تاریخ ناقص، ۱۳؟؟ و؟؟ لعلی



تصویر ۲۵. کتیبه باب الساعه نمای بیرون صحن

در کتیبه دیگری که در تیزه جناقی قوس ایوان باب الساعه موجود است، تاریخ ۱۳۲۷ بدون ذکر نام کاتب یا نقاش آورده شده است (تصویر ۲۷).



تصویر ۲۷. کتیبه نمای بیرونی باب الساعه سنه ۱۳۲۷، بدون ذکر نام کاتب



در درگاه نمای بیرونی باب الساعه همچنين كتيبه بسيار زيباي كاشي هفت رنگي با لعاب زمينه سبز خوش رنگ و خطوط كتيبه لعاب زرد وجود دارد. اين كتيبه كه به صورت كمر بند در ارتفاع حدود چهار متری از كف درگاه قرار دارد، نام كاتب عبدالعلي و تاريخ ۱۳۲۷ ق. را بر خود دارد (تصاویر ۲۸ و ۲۹).

تصویر ۲۸. بخش آغازین کتیبه کمربندی نمای بیرونی ایوان باب الساعه



تصویر ۲۹. تاریخ و امضاء کاتب کتیبه کمر بند درگاه باب الساعه، کاتبه، عبدالعلي ۱۳۲۷



تصویر ۳۰. تزئینات تیزه طاق نمای بیرونی ایوان باب الساعه با اسامی ۱۴ معصوم



تصویر ۳۱. باب القبلة نمای داخل صحن

نمای باب القبله از سمت داخل صحن، به بلندی ایوان حجرات پیرامون صحن است و کاشی کاری لچکی های طرفین جناق درگاه آن به مانند کاشی های حجره ها، دارای نقش اسلیمی است که به سبک قاجاری کار شده است (تصویر ۳۱). در کاشی کاری های این درب کتیبه ای که به نام هنرمند و یا تاریخ اشاره ای داشته باشد مشاهده نمی شود. کاشی کاری نمای ستون های مجاور درگاه نیز با نقشی تکرار شده و سبک قاجاری تزئین شده اند (تصویر ۳۲).



نمای باب‌القبلة از سمت بیرون صحن، درگاه بلندی است که سراسر با کاشی هفت‌رنگی پوشیده شده است (تصویر ۳۳). در کتیبه بالای سر این درب ذکر تاریخ ۱۳۸۰ ق. و نام هنرمند جلیل السید ابراهیم النقاش آمده (تصویر ۳۴)؛ لذا قطعاً کتیبه قدیمی این مکان تعویض و در تاریخ مذکور نوسازی شده. همچنین در کتیبه دیگر مربوط به این سردر، نام جلیل و سال ۱۳۸۲ ق. آورده شده است (تصویر ۳۵ و ۳۶). بنابراین می‌توان گفت کاتب کاشی‌های این سردر جلیل نقاش و در محدوده سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۲ توسط کاشی‌سازان کربلایی ساخته شده است. نام جلیل در کاشی‌کاری داخل صحن و بر یک قطعه از کاشی‌های ستون‌های جبهه جنوبی صحن نیز آمده است (تصویر ۳۷).

تصویر ۳۲. کاشی‌کاری ستون‌های طرفین سمت صحن باب‌القبلة



تصویر ۳۵. کاشی‌کاری زیر پنجره چوبی باب‌القبه سنه ۱۳۸۲ با امضای جلیل



تصویر ۳۴. کتیبه کاشی‌کاری رخ بام نمای جبهه بیرونی باب‌القبه، عمل جلیل السید ابراهیم النقاش ۱۳۸۰



تصویر ۳۳. کاشی‌کاری نمای جبهه بیرونی باب‌القبه



تصویر ۳۶. کاشی‌کاری رواق باب‌القبه سنه ۱۳۸۲ با امضای جلیل

تصویر ۳۷. نام جلیل النقاش بر روی یک قطعه کاشی از کاشی‌کاری‌های ستون‌های حجره‌های جبهه جنوبی صحن مطهر



در کاشی‌کاری درگاه نمای بیرونی باب القبله (لچکی سمت غرب طاق) کتیبه‌ای به تاریخ ۱۳۳۳ ق. آورده شده بدون اینکه به نام کاتب یا نقاش اشاره شود (تصویر ۳۸). همچنین در کاشی‌کاری جداره نمای بیرون درگاه کتیبه دیگری وجود دارد که نام جواد بر آن نوشته شده است بدون ذکر تاریخ (تصویر ۳۹).



تصویر ۳۹. کتیبه کاشی هفت رنگی در جداره سمت غرب درگاه باب القبله با امضای جواد بدون ذکر تاریخ



تصویر ۳۸. کتیبه کاشی‌کاری هفت رنگی نمای جبهه بیرونی باب قبله، تاریخ درج شده در کتیبه موجود در مرکز کاشی‌کاری لچکی سمت تاریخ سنه ۱۳۳۳ ق. بدون ذکر نام کاتب



تصویر ۴۰. نمای بیرونی باب الطوسی

در جبهه شمالی صحن، باب الطوسی قرار دارد و نمای درگاه داخل صحن آن به مانند نمای درگاه باب القبله از بلندی در ارتفاع درگاه ایوان حجرات صحن برخوردار است. درگاه بیرونی باب الطوسی، درگاه مرتفعی است که با کاشی هفت‌رنگی تزیین شده است (تصویر ۴۰). این درگاه در اقدامات عمرانی سال ۱۳۶۹ ق. به جای درگاه قدیمی ساخته و کاشی‌کاری شده است.

در کتاب **تاریخ النجف الاشرف** آمده است: «در سال ۱۳۶۹، این در با یک در بزرگ‌تر از آن عوض شد

و ورودی آن توسعه یافت و با ملحق کردن مقداری از بنای مسجد عمران ابن شاهین به آن، بنای آن افزایش پیدا کرد. طول ورودی بیست متر و پنجاه سانتیمتر است. ارتفاع آن (احتمالاً منظور ارتفاع راه رو این درگاه به داخل صحن است) پنج متر می‌باشد» (رک: المعارف ص ۱۷۲ و ۱۷۳). در کتاب **ماضی النجف و حاضرها** نیز در خصوص باب الطوسی آمده است: «در ایام سلطان عبدالحمیدخان دوم عثمانی، سنگ‌هایی بر سر زوار افتاد و تعدادی از آنان جان باختند، از این رو این واقعه دولت کنونی را بر آن داشت تا دستور برداشتن سنگ‌ها و کاشی‌ها و مرمت آن را صادر کند، لذا شروع به کار کرد و ادامه یافت. بیش از چهار سال و این با همت خزانه‌دار بزرگ مرحوم آقای جواد الرفعی خزانه‌دار حاضر و بینش او از العمار استاد معروف ابو جوهر بود.» (آل محبوبه، ۱۴۰۴. ص ۶۰). در قطعه کاشی موجود در این مکان، نام محمد حسن السید جواد ارفعی الکلیدار ۱۹۵۴ میلادی نوشته شده است.

در سندی دیگر اشاره به این موضوع شده است. عبارت زیر به خط ریز و به قطعات مساوی نوشته شده است: «تجدید در عهد مرحوم روضه الحیدری، السید عباس السید محمد حسن السید جواد الرفعی الکلیدر (۱۳۷۴ق / ۱۹۵۴ میلادی)». (الاخبار - العتبة العلویة المقدسة (imamali.net) در زیر این کاشی‌ها «تاریخ گسترش باب الطوسی به ابیات ذیل نوشته شد.»

لشیخنا الطوسی قد وسعوا ضاء بأنوار العلی فاغتدی ومذ بدا الإبداع فی صنعه
فی الصحن باباً فنه ساحرٌ یهدی الحیاری ضوءه باهرٌ أرخت باباً نوره ظاهرٌ

در کتاب **تاریخ النجف الاشرف** در خصوص باب الطوسی قدیمی آمده است: «روی یکی از سنگ فرش‌ها، اسم شخصی پیدا شده است که آن را تزئین نموده است. روی آن چنین نوشته شده است، راجی ناجی این بنا را تزئین کرده است. شیخ محمد حسین این موضوع را تأیید می‌کند و می‌گوید، اسم او شیخ ناجی بن شیخ محمد علی قفطان است» (تاریخ النجف الاشرف، ج ۲، ص ۳۹۳).

در کاشی‌کاری‌های باب الطوسی دو قطعه کاشی‌کاری وجود دارد که مشابهت زیادی در نقش و خط و تاریخ آن‌ها مشاهده می‌گردد. در یکی از آن‌ها دعای قبول زیارت و در دیگری نام شیخ الطوسی و ذکر تاریخ ۱۳۷۳ آورده شده است (تصویر ۴۱ و ۴۲).



تصویر ۴۲. کتیبه کاشی با تاریخ ۱۳۷۳



تصویر ۴۱. کاشی مربوط با باب الطوسی با تاریخ سنه ۱۳۷۳ ق.

در بالای در چوبی دروازه باب الطوسی کاشی‌کاری وجود دارد که ساخت آن را در زمان تاجگذاری فیصل اعلام کرده و تاریخ ۱۳۷۲ است. (تصویر ۴۳)

باب الفرج یا باب السلطانی: این دروازه در ضلع غربی صحن قرار دارد و نمای بیرون صحن آن با کاشی‌های هفت رنگی تزئین شده است. (تصویر ۴۴)



تصویر ۴۳. کتیبه کاشی بالای در چوبی باب الطوسی با تاریخ ۱۳۷۲ ق.

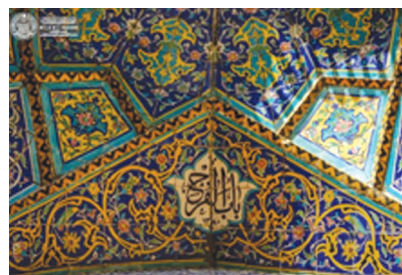


تصویر ۴۴. نمای عمومی باب الفرج از سمت خارج صحن

بنابر آنچه شیخ حرزالدین در کتاب ماضی النجف و حاضرها آورده، این دروازه در زمان سلطنت سلطان عبدالعزیز عثمانی احداث شده است. «باب الفرج، در روزگار سلطان عبدالعزیزالعثمانی در سال ۱۲۷۹ق. گشایش یافت و به دروازه السلطنه معروف است که سلطان مذکور آن را گشود و از طرفی به دروازه فرج معروف است و توسط عالم معروف شیخ عباس بن شیخ حسن الکاشف الغطاء ابیاتی به کاشی و برجلی در از بیرون صحن نوشته شده است. (آل محبوبه، ۱۴۰۴، ص ۴۱)

برخی از محققین بر این باور هستند که این دروازه به مناسبت سفر ناصرالدین شاه قاجار به عتبات توسط سلطان عبدالعزیز عثمانی ساخته شده است و به همین دلیل به دروازه سلطانی مشهور است. در کاربندی های سقف درگاه باب الفرج که با کاشی هفت رنگی تزیین شده، تاریخ ۱۳۸۰ ق. قید شده است (تصویر ۴۵) و در کتیبه کاشی هفت رنگی بالای درب چوبی همین درب از سمت بیرون، تاریخ ۱۳۹۱ ق. ذکر شده است. (تصویر ۴۶) همچنین در کاشی کاری هفت رنگی سمت راست درگاه باب الفرج از سمت بیرون، نام نقاش جلیل ذکر شده است. (تصویر ۴۷). لذا با توجه به تاریخ ساخت باب الفرج به سال ۱۲۷۹ این شُبّه پیش می آید که آیا این درگاه در زمان ساخت فاقد کاشی کاری بوده؟ یا کاشی های آن در پس از ۱۲۷۹ ق. در چند نوبت تعویض شده است. اما با توجه به مناسبت ساخت این دروازه و نام نهاده شده بر آن یعنی (باب السلطانی) چگونه ممکن بوده که این درگاه مهم بدون تزیین رها شده باشد. بنابراین می توان عنوان کرد به دلیل قرارگیری این درگاه رو به غرب از یک سو و از سوی دیگر جهت زاویه ریزش باران در شهر نجف که از غرب به شرق است، کاشی های این دروازه طی یک صد سال گذشته یعنی از ۱۲۷۹ تا ۱۳۸۰، در معرض باد و باران قرار داشته و دچار فرسایش شدید شده بوده است و بالطبع می باید تعویض می شده اند. بنابراین سندی مبنی بر اینکه کاشی های اولیه این دروازه چگونه و نقاش آن چه کسی بوده در دست نیست و در حال حاضر فقط می دانیم که نقاشی به نام جلیل که نام او در کاشی کاری جبهه سمت راست باب الفرج آمده، نقاشی کاشی ها را بر عهده داشته است (تصویر ۶۳ و ۶۴).

تصویر ۴۵. کاشی کاری هفت رنگی سقف درگاه باب الفرج یا باب السلطانی از سمت بیرون صحن، تاریخ ۱۳۸۰ ق. بدون ذکر نام هنرمند یا نقاش

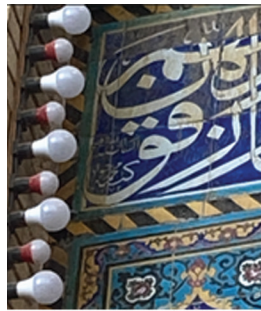


تصویر ۴۶. کتیبه بالای درب چوبی درگاه باب الفرج با ذکر تاریخ ۱۳۹۱ ق.



تصویر ۴۷. کاشی کاری جداره سمت راست درگاه باب الفرج و ذکر نام نقاش، جلیل نقاش

کاشی کاری باب مسلم ابن عقیل، این دروازه در جداره شمال شرقی صحن واقع است. نمای سمت داخل صحن این دروازه به مانند دروازه های باب القبله و باب الطوسی به بلندی ارتفاع حجره های پیرامون صحن است و کاشی کاری های سردر آن هفت رنگی، با طرح و نقش اسلیمی برزمینه لعاب سفید و قاجاری است. نمای دروازه باب مسلم بن عقیل از سمت بیرون صحن نیز با کاشی های هفت رنگی پوشش داده شده و در بالای آن تزیین خط بنایی با کاشی رنگ سبز در ترکیب با آجر کار شده است (تصویر ۴۸). در کتیبه بالای سردر کاشی با زمینه لاجوردی و خطوط بال لعاب سفید کار شده و نام کاتب و تاریخ، بصورت کتبه محمد جواد ۱۳۷۲ ق. ذکر شده است (تصویر ۴۹). در کاشی کاری هفت رنگی قوس بالای درب چوبی، نام کاشی ساز به صورت کاشی سازی حاج اسماعیل سید ابراهیم نقاش و تاریخ ۱۳۷۲ آمده است (تصویر ۵۰). خط و نگارش کتیبه نشان از ایرانی بودن کاشی ساز دارد. شیوه نقاشی و لعاب گذاری نیز مبین همین موضوع است (تصویر ۵۱). کاشی کاری جداره های طرفین ایوان طلا (بالای کفشداری شمالی و جنوبی داخل صحن) هفت رنگی، با مهر السلطان عبدالحمید عثمانی و تاریخ ۱۳۲۶ هستند (تصویر ۵۲). شباهت تکنیکی و نقاشی کاشی های ساخته شده به فرمان سلطان عبدالحمید عثمانی به شیوه های کاشی سازی استادان ایرانی، نشان می دهد کاشی ها به سفارش سلطان عثمانی و توسط استادکاران کاشی ساز ایرانی ساخته شده است (تصاویر ۵۳ و ۵۴).



تصویر ۴۹. کتیبه بالای سردریاب مسلم بن عقیل، کتبه محمد جواد ۱۳۷۲ ق.



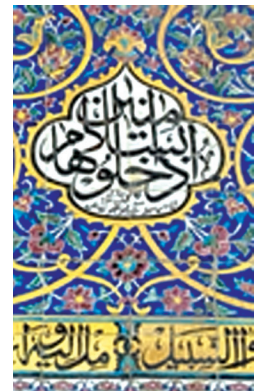
تصویر ۴۸. تزیینات کاشی کاری باب مسلم بن عقیل



تصویر ۵۲. کاشی کاری عهد عثمانی، جداره بالای کفشداری جنوبی صحن، با تاریخ ۱۳۲۶ و مهر سلطان عبدالحمید عثمانی

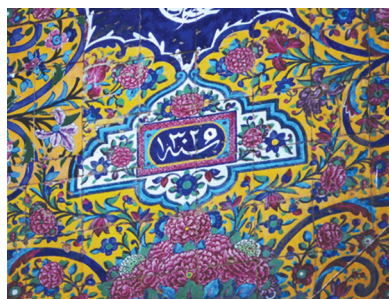


تصویر ۵۱. کاشی های هفت رنگی جبهه بیرونی درب مسلم ابن عقیل

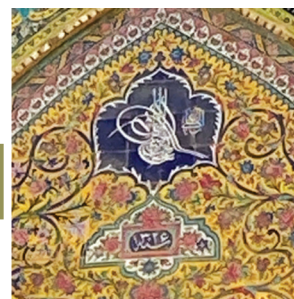


تصویر ۵۰. کتیبه تزیینات کاشی کاری باب مسلم ابن عقیل، کارخانه کاشی سازی حاج اسماعیل سید ابراهیم نقاش ۱۳۷۲ ق.

تصویر ۵۴. کاشی کاری عهد
السلطان عبدالحمید عثمانی
سنه ۱۳۲۶ ق.، جداره شمالی
ایوان طلا



تصویر ۵۳. کاشی کاری
عهد السلطان عبدالحمید
عثمانی سنه ۱۳۲۶ ق.،
جداره جنوبی ایوان طلا

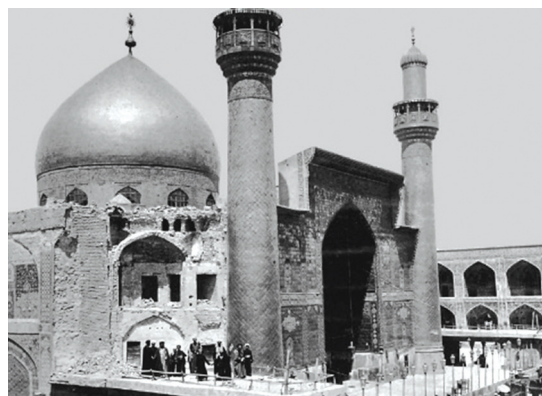


اما از آنجا که ناصرالدین شاه در کتاب خاطرات خود که به سال ۱۲۸۷ نگارش شده به کاشی کاری این بخش از صحن (دو بال طرفین ایوان طلا و بالای کفشداری‌ها) اشاره نموده و توضیح می‌دهد که «شیخ عبدالحسین طهرانی که از جانب من به مرمت اماکن مشرفه مأمور بود، دو طرف گنبد مطهر و ایوان و ستون و سقف را خوب ساخته و کاشی کاری خیلی اعلی شده» (خاطرات ناصرالدین شاه، ۱۳۶۲، ص ۱۱۲). بنابراین کاشی کاری این بخش نخست توسط ناصرالدین شاه اجرا شده و خوشبختانه هنوز کتیبه‌ای که نام عبدالحسین طهران را بر خود دارد بر دیوار شمالی صحن جنبه جنوبی نصب و مبین این امر است (تصویر ۵۵).



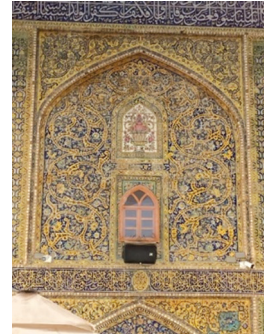
تصویر ۵۵. نام معمار کاشی کاری عهد
ناصرالدین شاه، استاد معماری ابراهیم طهرانی
تمام شد

بنابراین کاشی کاری‌های انجام شده به دستور سلطان عبدالحمید عثمانی به سال ۱۳۰۲ بعد از کاشی کاری‌های انجام شده به دستور ناصرالدین شاه است. از سوی دیگر با مراجعه به تصاویر قدیمی حرم، عکسی موجود است که نشان می‌دهد این بخش از جداره حرم در محدوده سال‌های ۱۳۰۲ تخریب شده بوده (تصویر ۵۶). به این سبب اقدام عبدالحمید عثمانی ابتدا مرمت این جداره و سپس کاشی کاری آن بوده است. ولی جالب است، گفته شود، قطعاً کاشی کاری انجام شده در زمان ناصرالدین شاه در دو بال طرفین ایوان نجف بطور قرینه انجام پذیرفته بوده، لذا کاشی کاران عهد سلطان عبدالحمید عثمانی نیز برای حفظ این قرینگی کاشی‌های جداره جنبه شمالی ایوان طلا (بالای کفشداری جنبه شمالی ایوان) را نیز تخریب و مطابق با کاشی‌های بال جنوبی نوسازی و مهر سلطان عثمانی را بر آن نهاده‌اند (برگشت به تصویر ۵۲).



تصویر ۵۶. تخریب جداره جنوبی
ایوان طلا در محدوده سال‌های ۱۳۰۲
عکاس: ابوالقاسم ابن محمد نوری

کاشی‌های جداره جنوبی صحن جبهه شمالی با تکنیک کاشی هفت‌رنگی ساخته شده و شیوه طراحی، تکنیک نقاشی و رنگ‌گذاری و تنالیت‌های رنگی مورد استفاده در کاشی‌های این جبهه، نزدیکی زیادی به کاشی‌های عهد ناصری بناهای تهران و از آن جمله کاشی‌های مسجد سپهسالار و کاخ گلستان دارد (تصویر ۵۷).



تصویر ۵۷. طاق نمای جداره جنوبی صحن جبهه شمالی، سبک قاجار

متأسفانه کاشی‌های این جبهه فاقد ذکر نام نقاش هستند و تنها در دو مورد ذکر تاریخ آمده است که عبارت‌اند از، کتیبه فوقانی و لبه بام جداره جنوبی صحن جبهه شمالی با تاریخ ۱۳۲۷ (تصویر ۵۸ و ۵۹) و دیگری کتیبه جداره غربی صحن جبهه شمالی با تاریخ ۱۳۲۴ (تصویر ۶۰ و ۶۱).



تصویر ۵۸ و ۵۹. کتیبه‌های فوقانی و لبه بام جداره جنوبی صحن جبهه شمالی با تاریخ ۱۳۲۷ ق.



تصویر ۶۰ و ۶۱. کتیبه رخ بام جداره غربی صحن جبهه شمالی با تاریخ ۱۳۲۴ ق.

در ایوان مرکزی جداره جنوبی صحن، کتیبه‌ای کاشی هفت‌رنگی با رنگ زمینه لاجوری و خطوط سفید وجود دارد که از بالای سنگ ازاره صحن شروع و پس از چرخش در حاشیه درگاه در تراز سنگ ازاره، پایان می‌یابد. در انتهای این کتیبه نام کاتب «محمد صالح الطیب القزوینی فی ۱۲۵۱ ق.» نوشته شده است (تصویر ۶۲ و ۶۳).

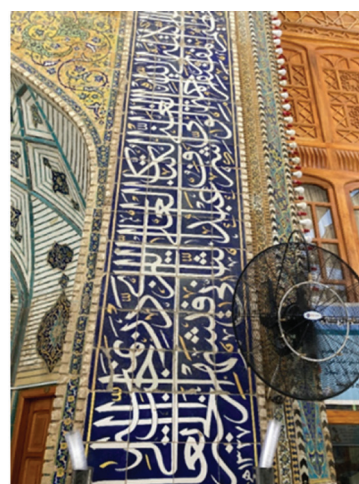


تصویر ۶۳. نام کاتب کتیبه، محمد صالح الطیب القزوینی ۱۲۵۱ ق.



تصویر ۶۲. نمای عمومی ایوان ضلع جنوبی صحن

در ایوان مرکزی جداره شمالی صحن کتیبه کاشی هفت‌رنگی با زمینه لعاب لاجورد و خط سفید، به صورت کادربندی دور ایوان قرار دارد که در انتهای آن تاریخ ۱۳۲۷ ق. و نام جلیل آورده شده است. (تصویر ۶۴) در بررسی این کتیبه از نزدیک، مشخص می‌گردد که هشت خشت کاشی انتهای کتیبه قدیمی نبوده و نوسازی شده و در آن تاریخ ۱۳۲۷ ق. و نام جلیل نوشته شده است. لذا به نظر می‌رسد کاشی ساز جدید اطلاعات لازم در خصوص نام نقاش را در اختیار نداشته و به همین دلیل نام خود (جلیل) را در کتیبه نوشته است. این در حالی است که جلیل نقاش معاصر است که کاشی‌کاری باب الفرج را که به سال ۱۳۸۰ ق. ساخته شده را نقاشی کرده است. بنابراین کاتب اصلی این کتیبه شخص دیگری بوده که امروز نام او را نمی‌دانیم. نکته جالب دیگر اینکه در بررسی عکس‌های قدیمی‌تر مربوط به این کتیبه مشاهده می‌شود، این بخش از کتیبه در گذشته نیز یک‌بار بازسازی شده بوده؛ ولی به دلیل هم‌رنگ نبودن آن‌ها با کاشی‌های اصلی مجدد توسط کاشی‌کار جلیل بازسازی شده است. در عکس قبلی نامی از جلیل نیست و تنها به تاریخ ۱۳۲۷ ق. اشاره شده است (تصویر ۶۵ و ۶۶). کتیبه رخ بام جداره جنوبی صحن از نوع کاشی هفت‌رنگی با زمینه لعاب لاجوردی و خطوط با لعاب سفید که به سمت غرب ایوان مرکزی این جبهه ختم می‌شود، دارای تاریخ ۱۳۲۶ ق. است (تصویر ۶۷ و ۶۸).



تصویر ۶۴. کتیبه ایوان مرکزی سمت شمال صحن با تاریخ ۱۳۲۷ و امضای جلیل



تصویر ۶۵. عکس مربوط به بازسازی قبلی



تصویر ۶۶. عکس مربوط به بازسازی فعلی



تصویر ۶۷ و ۶۸. کتیبه رخ بام جداره جبهه جنوبی صحن، سنه ۱۳۲۶ ق.

از دیگر کتیبه‌های داری تاریخ و نام کاتب در صحن حرم کتیبه‌ای است ساخته شده با کاشی هفت‌رنگی، با زمینه لعاب لاجوردی و خطوط لعاب زرد با تاریخ ۱۳۲۳ و نام کاتب به صورت کاتب «الرقم عبدالعلی» در آن آمده است. نام این کاتب با همین ماده تاریخی در کتیبه باب الساعه نیز آمده است (تصویر ۶۹ تا ۷۱).



تصویر ۷۱. تاریخ و نام کاتب کتیبه حجره جداره جنوبی صحن



تصویر ۷۰. رقم و کاتب کتیبه حجره جبهه جنوبی الرقم عبدالعلی ۱۳۲۳



تصویر ۶۹. کتیبه کاشی، حجره جبهه جنوبی صحن

از جمله کاشی‌های تاریخ‌دار با ذکر نام نقاش یا کاتب، قاب کاشی‌کاری هفت‌رنگی است در درگاه باب‌القبلة که نام عبدالمجید و تاریخ ۱۳۷۴ را بر خود دارد (تصویر ۷۰ و ۷۲). سبک کار این کاشی‌ها مطابق با شیوه کار کاشی‌کاران کربلایی است.

از پرکارترین تزیینات بنای حرم مطهر، تزیینات آجرکاری و معقلی است که تمام سطوح نمای بیرونی دیوارهای صحن را پوشش داده است. تزیینات معقلی با خطوط بنایی یا نقوش برگرفته از نقوش سنتی با ترکیبی از کاشی‌های سبز و آجرهای نخودی رنگ ساخته شده‌اند در داخل طاق نماهایی که بین دو ستون نمای آجرکاری شده قرار دارند (تصاویر ۷۵ و ۷۶).



تصویر ۷۴. کتیبه کاشی هفت‌رنگی با تاریخ ۱۳۸۰ واقع در جداره شرقی صحن مطهر

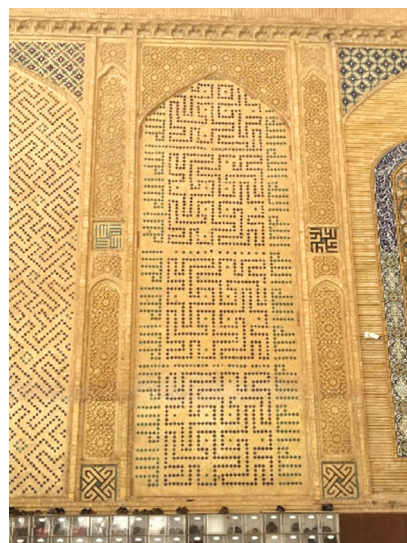


تصویر ۷۲ و ۷۳. کاشی هفت‌رنگی کربلایی با امضاء عمل عبدالمجید و تاریخ ۱۳۷۴ ق.



تصویر ۷۶. تزیینات آجرکاری نمای بیرون جداره‌های صحن با شیوه آجرقالبی

تصویر ۷۵. تزیینات آجرکاری نمای بیرون جداره‌های صحن با شیوه معقلی و خطوط کاشی بنائی



در بررسی تصاویر قدیم حرم، نمای بیرون صحن را نشان می‌دهد که در زمان تهیه عکس‌ها، بناهای پیرامون در تماس با دیوارهای بنای حرم بوده و دیوارها فاقد هرگونه تزیین هستند. با توجه به اینکه تاریخ عکس‌ها می‌تواند مربوط به یک صد سال گذشته باشد، پس تزیینات نمای بیرون دیوارهای صحن مربوط به بعد از آزاد سازی محیط پیرامون صحن است و در قیاس با تزیینات داخل از قدمت بسیار کمتری برخوردار هستند. (تصاویر ۷۷ تا ۸۱)



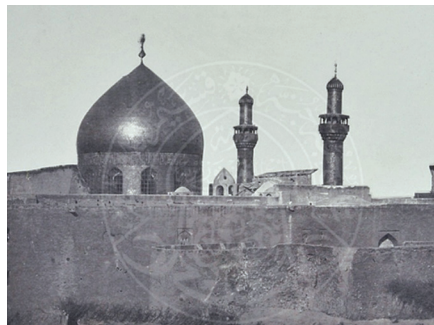
تصویر ۷۸. عکس از سمت باب القبله و حجره‌هایی که به دیوار بیرون حرم متصل هستند.



تصویر ۷۷. نمای باب الساعه از سمت بیرون صحن که نشان می‌دهد بناهای مختلف به دیوار حرم متصل هستند



تصویر ۸۱. عکس هوایی از حرم مطهر مربوط به دوره های متاخر، در این تصویر اتصال بناهای تجاری بردیوار جبهه جنوبی و غربی (باب الساعه) قابل مشاهده است.



تصویر ۸۰. عکس از جبهه جنوبی غربی بیرون صحن و دیوار بدون تزیین حرم



تصویر ۷۹. باب الساعه، جبهه شرقی حرم، اتصال بناها به دیوار حرم

۱ جمع‌بندی یافته‌های پژوهش:

۱- تاریخ نگاری کاشی‌های حرم نشان می‌دهد، تزیین کاشی‌کاری حرم به مانند خود بنا، در طول زمان تکمیل و یا به دفعات تعویض یا مرمت شده‌اند. تکمیل تزیینات، تعویض و یا مرمت آن‌ها در دوره‌های مختلف و به‌طور پراکنده در مواضع و جبهه‌های مختلف انجام گرفته است. لذا جهت جمع‌بندی تعداد اقدامات کاشی‌کاری در هر دوره تاریخی، یافته‌های پژوهش در قالب جدول ذیل گردآوری شد. این جدول نشان می‌دهد چند مکان از حرم در یک دوره تاریخی یا یک سال مشخص کاشی‌کاری شده است. به‌طور مثال، در چند نقطه از تزیینات کاشی‌کاری تاریخی ۶۶۳ بر روی کاشی‌ها ثبت شده است. جدول ۱ نشان می‌دهد که فقط یک مورد شناسایی شده است. این کمیت نشان دهنده توجهی است که سلاطین هر دوره به آبادانی حرم عتبات داشته و یا شیعیان امکانات بیشتری در تزیین و آبادانی حرم عتبات داشته‌اند.

جدول ۱

ردیف	تاریخ انجام کاشی‌کاری ق. ق.	تعداد	دوره تاریخی
۱	۶۶۳	۱	ایلخانی
۲			صفوی
	۱۱۵۶	۱	افشاریه
	۱۱۶۰	۱	افشاریه
۳	۱۱۹۸	۱	زندیه
۴	۱۲۵۱	۱	محمد شاه قاجار
۵	۱۳۰۲	۲	دوره عثمانی هم‌زمان با ناصرالدین شاه
۶	۱۳۲۳	۱	دوره عثمانی هم‌زمان با مظفرالدین شاه
۶	۱۳۲۴	۱	دوره عثمانی هم‌زمان با مظفرالدین شاه
۷	۱۳۲۶	۱	دوره عثمانی هم‌زمان با محمدعلیشاه شاه
۸	۱۳۲۷	۵	دوره عثمانی هم‌زمان با محمدعلیشاه شاه
۹	۱۳۳۳	۱	دوره عثمانی هم‌زمان با احمد شاه
۱۰	۱۳۷۲	۳	دوره استقلال عراق
۱۱	۱۳۷۴	۱	
۱۲	۱۳۷۸	۱	
۱۳	۱۳۸۰	۲	
۱۴	۱۳۸۲	۲	
۱۵	۱۳۸۵	۱	
۱۶	۱۳۹۱	۱	

۲- یافته‌های پژوهش نام هنرمندان مختلفی را که در دوره‌های مختلف تاریخی در نقاشی، کتابت و ساخت کاشی‌های حرم حضور داشته‌اند، مشخص کرد. جهت مشخص شدن تعداد امضای هریک از هنرمندان فوق که به نوعی میزان فعالیت و حضور آن‌ها را در تزئین حرم نشان می‌دهد، یافته‌های پژوهش در جدول ذیل جمع بندی گردید و ضمن اشاره به تعداد امضای هریک به دوره تاریخی آن‌ها نیز اشاره شد.

جدول ۲

ردیف	نام نقاش	نام کاتب	تعداد اثر	تاریخ ق.
۱		کمال الدین گلستانه	۳	۱۱۵۷ تا ۱۱۶۰
۲		محمد رضا	۱	۱۱۹۸
۳		عبدالعلی اشرف	۵	۱۳۲۳ تا ۱۳۲۴
۴	جلیل السید ابراهیم نقاش		۵	۱۳۸۰ تا ۱۳۸۲
۵		جواد	۱	بدون تاریخ
۶		محمد جواد	۱	۱۳۷۲
۷	حاج اسماعیل سید ابراهیم نقاش		۱	۱۳۷۲
۸		محمد صالح الطیب القزوینی	۱	۱۲۵۱
۹		معمار استاد ابراهیم تهرانی	۱	۱۳۷۲
۱۰		عبدالمجید	۱	۱۳۷۴

۳- این پژوهش حضور هنرمندان کاشی‌کار ایرانی و عراقی را در تزئینات کاشی‌کاری‌های حرم نشان داد و مشخص شد که بخشی از کاشی‌های متأخرتر حرم نجف، کاشی‌هایی است که توسط هنرمندان عراقی ساخته شده‌اند که به کاشی کربلایی معروف‌اند. میزان حضور هر گروه به شرایط سیاسی هر زمان بستگی داشته است.

۴- نفوذ سبک هنری در نقاشی کاشی‌های حرم در دوره‌های مختلف قابل ملاحظه است. یافته‌های پژوهش نشان داد، کاشی‌کاران تا پایان دوره نادرشاهی، تحت تأثیر هنر نقاشی و رنگ‌آمیزی هنر کاشی‌کاری عهد صفوی قرار دارند؛ اما در کاشی‌های انجام شده در دوره سلاطین قاجار و عثمانی، نقاشی‌ها بیشتر تحت تأثیر هنر نقاشی متداول در عهد زند و قاجار که متأثر از هنر نقاشی اروپایی است، قرار دارند. در این نوع از کاشی‌ها اضافه بر نوع شیوه لعاب‌گذاری و تنالیت‌های رنگی، حتی از تصاویر پرسپکتیو معماری اروپایی که در بناهای غیر مذهبی ایران نیز بسیار رایج بوده، استفاده شده است. این بررسی نشان داد که حتی کاشی‌هایی که به فرمان سلاطین عثمانی انجام می‌پذیرفته از همین شیوه تبعیت کرده‌اند.

۵- در بررسی تکنیک و کیفیت سنجی کاشی‌های حرم می‌توان به این نتیجه رسید که بعضاً کاشی‌ها در ایران ساخته شده و به نجف حمل گردیده و برخی دیگر توسط استادکاران ایرانی در عراق ساخته شده‌اند. این گروه از کاشی‌ها به علت نامرغوب بودن مواد مورد استفاده در ساخت کاشی که مواد محلی بوده‌اند، از کیفیت لازم برخوردار نیستند.

۶- سازندگان کاشی‌های حرم را می‌توان به دو دسته کاشی‌سازان ایرانی و کاشی‌سازان کربلایی تقسیم کرد.

شناسایی سازندگان ایرانی کاشی‌ها و سازندگان عراقی از طریق بررسی و مطالعه کیفیت کار، طراحی، لعاب گذاری و اسامی ثبت شده بر روی کاشی‌ها ممکن است. هرچند که کاشی‌سازان کربلایی این فن را از استادکاران ایرانی آموخته و با همان سبک و سیاق کار کرده‌اند، اما باز تفاوت‌هایی در بین آن‌ها وجود دارد که شناسایی آن‌ها را ممکن می‌سازد. این کاشی‌ها در عراق هم به کاشی کربلایی شناخته و مشهورند.

۷- بانیان کاشی‌کاری نیز به سه گروه ایرانی و عثمانی و عراقی تقسیم می‌شوند، در برخی از متون به نام ایشان اشاره شده و یا در کتیبه‌ها نام آن‌ها آمده است. هرچند در حال حاضر برعکس حرم‌های دیگر که نام شاهان صفوی و قاجار در برخی از کتیبه‌های دیده می‌شود، در نجف هیچ نامی از ایشان ملاحظه نمی‌شود، شاید در تعمیرات به عمد و یا غیرعمد این نام‌ها حذف شده‌اند.

منابع:

۱. آل محبوبه، جعفر شیخ باقر، (۱۴۰۶-۱۹۸۶)، ماضی النجف و حاضرها. نجف.
۲. آل یاسین، شیخ محمد حسن، (۱۳۷۱)، تاریخ حرم کاظمین. ترجمه غلامرضا اکبری، بی‌جا، نشر کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام.
۳. ابن بطوطه، (۱۳۷۵)، سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه محمد علی موحدی، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، چاپ سپهر.
۴. استرآبادی، میرزا مهدی خان، تاریخ جهانگشای نادر، اصفهان: دنیای کتاب، ناشر دیجیتال، مرکز رایانه ای قائمیه.
۵. اسکندربیک ترکمان، (۱۳۵۰)، عالم آرای عباسی، ج ۳، تصحیح ایرج افشار. تهران: چاپ گلشن.
۶. آقا سید عبدالله، (۱۳۷۹)، لولو صدف فی تاریخ النجف، بی‌جا، چاپ مهربان.
۷. بهرمان، علیرضا، (۱۴۰۰)، «باز شناسی و معرفی محراب فراموش شده حرم مطهر مولی متقیان، علی علیه السلام»، نشریه هنرهای زیبا، هنرهای تجسمی، دانشگاه تهران، دوره ۲۶، شماره ۱، بهار ۱۴۰۰.
۸. ترکمان، اسکندربیک شهیرنمشی و محمد یوسف مورخ، (۱۳۱۷)، تصحیح سعیلی خوانساری، ذیل تاریخ علم آرای عباسی، تهران: اسلامیه.
۹. ثقه السلام الصاقی، سید عبدالله، (۱۳۸۲)، لولو الصدف فی تاریخ النجف، ترجمه سید بشیر المشکور.
۱۰. دایرةالمعارف تشیع، (۱۳۶۹) ج ۱، زیر نظر احمد صدر حاج سید جوادی، تهران: بنیاد خیریه و فرهنگی شط.
۱۱. عباسیان، میر محمد، (۱۳۷۹)، تاریخ سفال و کاشی در ایران، تهران: انتشارات گوتنبرگ.
۱۲. کاظمی دلگانی. مریم، (۱۳۸۶)، «اقدامات عمرانی شاهان صفوی در عتبات عالیات»، فصلنامه تاریخ اسلام، شماره مسلسل ۲۹.
۱۳. مظفر. محمد حسین، (۱۴۰۸ ق.)، تاریخ شیعه، موسوعة العتبات المقدسه، لبنان: بیروت.
۱۴. ناصرالدین شاه، (۱۲۶۲)، سفرنامه ناصرالدین شاه، ناشر کتابخانه سنائی، چاپخانه حیدری.